

تنبیداد تحولات در کاخ شهرداران آذربایجان شرقی

اخبار رسیده از شهرهای استان و شورای آنها چنین بر می‌آید که اتفاقاتی در آنها در حال روی دادن است که چندان برای مردم این شهرها و مهم‌تر از آن مدیریت شهر و روستای استانداری خوشایند نیست.



اخبار رسیده از شهرهای استان و شورای آنها چنین بر می‌آید که اتفاقاتی در آنها در حال روی دادن است که چندان برای مردم این شهرها و مهم‌تر از آن مدیریت شهر و روستای استانداری خوشایند نیست.

به گزارش خبرگزاری فارس از تبریز، در شهرداری‌های استان آذربایجان شرقی چه می‌گذرد؟ اخبار رسیده از شهرهای استان و شورای آنها چنین بر می‌آید که اتفاقاتی در آنها در حال روی دادن است که چندان برای مردم این شهرها و مهم‌تر از آن مدیریت شهر و روستای استانداری خوشایند نیست.

شاید بتوان در خوشبینانه‌ترین حالت از آن با عنوان «تغییر و تحول زود هنگام در مدیریت شهری» یاد کرد اما کیست که نتیجه این تغییر و تحول در مدیریت شهری را به حساب اختلافات ریشه‌دار شورائیان با شهردار منتخب خود نگذارند. آن هم به فاصله اندکی بعد از روی کار آمدن شوراها و انتخاب شخص شهردار توسط خود همان اعضا! به راستی در همین مدت کوتاه پس از اجماع و اعتماد اعضای شورا به شهردار بر سر روابط این دو رکن اساسی مدیریت شهری چه آمده که از واژگان مثبتی چون «تعامل، لیاقت، توانمندی» در تابستان 92 به عبارات منفی نظیر «اختلاف و کینه، ناتوانی، کم کاری، عدم تحقق خواسته‌های شورا، زیاده خواهی، بازنشستگی اجباری و در نهایت بی‌کفایتی» رسیده‌ایم؟

بناب کلید زد!

تغییر در مدیریت شهری شهرستان‌های آذربایجان شرقی از شهر بناب آغاز شد. هنوز شش ماه از آغاز به کار برزگر جلالی در شهرداری این شهر نگذشته بود که ساز مخالفت شورای این شهر با شهردار بناب کوک شد. کار بالاخره از مرحله تذکر و سوال هم گذشت و وارد فاز سوم و آخر یعنی استیضاح شد. اما برزگر جلالی موفق شد از این پیچ خطرناک با سربلندی عبور کند و همچنان شهردار بماند.

با وجود رای اعتماد مجدد شورا به شهردار اما نمی‌توان از اختلافات خفته و فعلا راکد شورا با شهردار چشم پوشید. یعنی اینکه اختلافات مدیریت شهری در بناب به سامان نرسیده و چون آتشی زیر خاکستر است که هر لحظه می‌تواند از ساختمان پارلمان محلی این شهر سر بیرون آورد.

سرایت به ملکان

چند صباحی از تثبیت شهردار بناب نگذشته بود که موضوع بی‌ثباتی در مدیریت شهری به شهر همسایه بناب، یعنی ملکان هم سرایت کرد. این بار شهردار ملکان ترجیح داد استعفا دهد.

هر چند علی‌حسین قطبی، فرا رسیدن موعد بازنشستگی را علت اصلی استعفای خود ذکر کرده اما پیش از اظهار نظر او، شایعات بسیاری مبنی بر وجود اختلاف بین او و شورای این شهر دهان به دهان می‌گشت. بارزترین موضوع که بر بحث اختلافات دامن می‌زند عدم اطلاع رئیس شورای این شهر از استعفای شهردار است. اگر واقعا شهردار به خاطر بازنشستگی استعفا داده آیا رئیس شورا نباید از این موضوع آگاه باشد؟ پس چرا رئیس شورای شهر ملکان از استعفای شهردار ملکان اظهار بی‌اطلاعی کرده و گفته «آقای قطبی تا این لحظه استعفای خود را تقدیم شورای شهر نکرده است؟»

شهردار اهر هم رفت!

سومین شهری که تغییر در مدیریت شهری را کلید زد اهر بود.

شهردار اهر هم در پی استیضاح شورای این شهر، برکنار شد. اعضای شورای شهر اهر، مصطفی شکری شهردار این شهر را با 6 رای موافق و با اکثریت آرا از سمت خود برکنار کردند.

رئیس شورای شهر اهر، علت استیضاح را عدم اجرای مصوبات شورای شهر به نحو احسن عنوان کرده و افزوده: شهردار اهر به دلیل عدم پاسخگویی مناسب و قانع کننده به سؤالات متعدد اعضای شورای شهر اهر، از سمت خود برکنار شد!

حال اگر این روند بخواهد ادامه پیدا کرده و به شهرهای بزرگ و کوچک دیگر نیز سرایت کند قطعاً کارنامه مثبتی برای استانداری آذربایجان شرقی و به ویژه مدیریت شهر و روستای آن نخواهد بود. خوشبختانه برخی اختلاف سلیقه‌ها و انتقادات شورا از شهرداری تبریز به مرز اختلافات اساسی و کینه نرسیده و با وجود وجود برخی اظهارنظرهای تند برخی اعضا، تعامل و تفاهم در مرکز شمال غرب کشور حاکم است. اما اگر استانداری و فرمانداری در مورد برخی از اتفاقات مانند آنچه که در شهرهای اهر، بناب و ملکان روی داده سکوت پیشه کند این اتفاق نامیمون می‌تواند دامن تبریز را هم بگیرد.

اینکه هنوز ما ایرانی‌ها با «کار شورائی» خو پیدا نکرده‌ایم و کار فردی و تک روی را به مشاوره و مصلحت‌جوئی ترجیح می‌دهیم تردیدی نیست. اما دیگر سیستم اداره شهرها به شکل شورائی آنقدر عمر دارد که به این زودی و به بهانه‌ای کوچک دچار دست‌انداز نشود! به نظر می‌رسد هنوز بعد از گذشت 15 سال از عمر شوراها و در شهرهای ما، بسیاری از زوایای آن ناشناخته مانده به جای بهره‌گیری از ظرفیت‌های خاموش و راکد مانده آن، بیشتر بر طبل تبلیغ و حرکت فردی کوبیده می‌شود. اینکه شهردار مقصر است یا اعضای شورا و یا اراده‌ای خارج از این مجموعه‌ها بر روند کار مدیریت شهری تأثیر می‌گذارد چندان مهم نیست. اما اینکه بعد از گذشت تنها چند ماه از آغاز به کار و همکاری و تعامل شهردار و شورائیان، کار آنها به جدائی و اختلاف و تنش می‌کشد بسیار تأسف‌بار است.

به نظر می‌رسد مدیریت استان در مورد نظارت بر کار شوراها (و نه دخالت در کار آنها) تساهل و کم کاری کرده که عاقبت کار مدیریت شهری در این شهرها با چنین مشکلات پیش پا افتاده‌ای روبه‌رو شده است.

وقت آن است که برای پیشگیری از اتفاقات مشابه و جلوگیری از سرایت اختلاف و برکناری به شهرهای دیگر استان، ورود شخص آقای جبارزاده استاندار آذربایجان شرقی ضروری است!

نگارنده: محمدمبین خوش‌نیت
